

محمد یعقوب واحدی

جغرافیای تاریخی جوزجانان

«گوزگانان» یا «گوزگان» که معرب آن «جوزجانان» یا «جوزجان» است ، از ولایتهای مهم خراسان قدیم بشمار می آید . این ولایت باستانی ، امروز در گوشه شمال غرب افغانستان واقع شده و با آنکه تفاوت ، اراضی دو ولایت فعلی ، یعنی شبرغان و میمنه را در برمی گیرد .

در باره تلفظ و وجه تسمیه جوزجان ، عقاید و آراء مختلف است . عده بی آنرا بضم جیم اول و فتح زاء معجمه (۱) بعضی دیگر : بضم جیم و سکون زاء (۲) و برخی هم بفتح جیم و سکون زاء (۳) ضبط کرده اند . و وجه تسمیه آنرا پروفیسور مینورسکی خاور شناس معاصر «جوز» (گوز) یعنی چهارمغز را میداند (۴) و دکتر ذبیح الله صفا ، بی آنکه بیاخذ خود اشاره کند ، آنرا ماخوذ از نام گوزک (۵) زن و خواهر هوشنگ پیشدادی دانسته است (۶) . در شاهنامه فردوسی بیستی هست نشان میدهد که افراسیاب - پادشاه معروف پیشدادیان - باین ولایت نام «گوزگانان» داده است آن بیت اینست:

دگر گوزگانان فرخنده جای نهادست نامش جهان کد خدای (۷)
نیسایه (نام قدیم سرزمین جوزجانان) :

از جمله شانزده سرزمینی که در فرگرد اول فقره هفتم « و ندیداد » بالترتیب ذکر شده اند ، پنجمین کشور « نیسایه » می باشد که در بین بلخ و مرو واقع گردیده است . (۸) اینها سرزمینهایی استند که امروزه ، آنها را پاك و نيك آفریده و

(۱) مسالك الممالك ابن خردادبه ، طبع لیدن ، صفحات ۳۶ ، ۴۰ و ۲۱۰
والمسالك والممالك اصخری چاپ قاهره ، صفحه ۱۵۳ و الاعلام خيرالدين زرکلی
طبع دوم ، جلد ۷۶ صفحه ۷۶

(۲) احسن التماسيم في معرفة الاقاليم ، لیدن ۲۹۸ و معجم البلدان ، قاهره ، ج ۳ ص ۱۶۷
(۳) ریحانة الادب ، تألیف محمد علی تبریزی ، جلد ۱ صفحه ۲۸۵ و سرزمینهای
خلافت شرقی ، تهران ، صفحه ۴۴۹

(۴) تعلیقات بسرحدود العالم ، ترجمه میرحسین شاه ، کابل صفحه ۱۷۱
(۵) Gôzag

(۶) حماسه سرایی در ایران چاپ ۱۳۳۳ ، ۴۱۰

(۷) شاهنامه ، باهتمام محمد دبیرسمیاقی ، ج ۳ ، صفحه ۱۰۴۶

(۸) عبارت متن و ندیداد اینست : « نیسائیم یمیم انتره مئورومچه باخدیمچه »

اهریمن دران جاهایی اعتقادی را پدید آورده است. (۱)
 توماشک (۲) این نسا را در خاک افغانستان در سرزمین میمنه دانسته و دیگر (۳)
 آنرا در میمنه و سرپل و اندخوی و شبرقان، سراغ داده است (۴) به همین ترتیب
 مارکوارت آلمانی که در جغرافیای تاریخی مشرق زمین استاد زبر دست است
 مینگارد: نسایی که در اوستا یاد شده، شهر نسای پهلوی ابیورد نیست که
 جغرافیه نویسان عرب ذکر کرده اند، بلکه این نسا، چنانچه توماشک بشناختن
 آن موفق شد سرزمین کنونی میمنه است که در قرون وسطی یهودان خوانده میشد (۵)
 موسس خورنی - جغرافیه نگار ارمنی - بسببی که نسا های دیگری هم
 در خراسان و فارس وجود داشته، همین نسای متذکره اوستا را « نسای میانک »
 خوانده است (۶).

قرار تحلیل بارتولومه «نسا» از مصدر سایی که بمعنی آسودن است و از پیشاوند
 نی که بمعنی تحت و پایین است ترکیب یافته. بنابراین این اسم مجموعاً معنی فرودگاه
 یا زیستگاه و آبادی را میدهد (۷). چون نسا بمعنی آسایشگاه و اقامتگاه است
 لهذا سرزمینهای متعدد خراسان و فارس که گروهی دران جاها منزل اختیار کردند
 بنام «نسا» یاد شدند.

آقای کهزاد در تاریخ افغانستان قبل از اسلام (۸) و رساله آریانا (۹) درجایی

۱ تاریخ افغانستان، کهزاد، جلد اول صفحه ۲۷۸ و فرهنگ ایران باستان
 بخش نخست، صفحه ۲۸۵

(۲) Tomaschek

(۳) Giger

(۴) صفحه ۲۸۶ فرهنگ ایران باستان بحواله توماشک و دیگر.
 (۵) ایرانشهر، تألیف مارکوارت، نسخه عکسی انجمن تاریخ، صفحه ۸۷
 (۶) در خراسان و فارس، چندین محل دیگر بساین اسم وجود دارد و مادرینجا
 تاجایی که ماخذ دست داشته ما باری میدهد آنها را میشماریم.
 ۱ - نیسا که قرار نوشته آقای کهزاد در غرب دریای اندوس واقع شده.
 ۲ - نیسی، بنابر تدقیق موسیو نووشه مشهور قدیمی است که هیون تسانک
 آنرا کاپی شی خوانده است.

۳ - این «نسا» از شهرهای خراسان و در پهلوی ابیورد موقعیت دارد.

۴ - نیسایه که باستاناد کتیبه بیستون در کشور ماد (غرب ایران) واقع است

۵ - بنابر قول یاقوت، نسای دیگر در کرمان است.

۶ - یک نسا هم در ایالت همدان است.

۷ - قلعه نسا که یاقوت آنرا در کرمان قرار میدهد.

(۷) صفحه ۲۸۰ فرهنگ ایران باستان، تألیف پورداود بحواله بارتولومه

(۸) جلد اول، صفحه ۲۷۸

(۹) طبع کابل، صفحه ۱۳۲

(۷) خراسان، یاقوت، ص ۲۸۰
 (۸) حسن الذوق، ص ۲۶۸
 (۹) خرد العالم، عکسی کابل، صفحه ۱۳۲

که از «نيسايه» بحث میکند «نساء» بی‌راکه یا قوت در معجم البلدان، در ضمن شهرهای خراسان ذکر کرده اشتباهاً بامیمنه که محل نيسايه متذکره اوستاست تطبیق میدهد، در حالیکه مقصود مؤلف معجم البلدان نسای پهلوی ابیور است که بقول وی از ابیور یک مرحله فاصله دارد (۱) و این اشتباه را نساغلی علی احمد نعیمی نیز در بخش طاهریان تاریخ افغانستان (۲) و تاریخ ادبیات افغانستان (۳) مرتکب شده‌اند.

ارتباط جوزجان با خراسان :

چون جوزجان یکی از ولایتهای خراسان است، برای اینکه رابطه این ولایت با کشور خراسان درست واضح شود، حدود جغرافیایی خراسان را به‌نهیج مختصر بررسی میکنیم :

کلمه خراسان ظاهراً از دوره ساسانیان فارس بوجود آمده. بدین تعبیر که یک قسمت زیاد کشور ما افغانستان در مشرق مملکت فارس واقع بود، آنرا خراسان یعنی مطلع الشمس نامیده‌اند. (۴)

قرار نوشته ابو منصور ثعالبی، در قرن ششم میلادی، خراسان مشتمل بر چهار ولایت ذیل بوده است (۵) :

- ۱ - ولایت مروین و طالقان و جوزجان ۲ - ولایت هرات و پوشنج و بست و سیستان.
- ۳ - ولایت بلخ و تخارستان ۴ - ماوراءالنهر.

جغرافیه نویسان عرب خراسان را از جانب مشرق به نواحی سیستان و بلادهند و از سوی مغرب به بیابان غز و نواحی گرگان و از جانب شمال به ماوراءالنهر و سمتی از بلاد ترک و از طرف جنوب به بیابان پارس و قومس پیوند میدهند (۶) از مطالعه آثار جغرافی فارسی و عربی بعد از اسلام برمی آید که خراسان بمفهوم عام ساحه وسیعتر داشته و بمفهوم خاص حاوی چهار ربع بزرگ بلخ، هرات، مرو و نیشابور بوده (۷) که هر یک از این ارباع، شهرهای عمده دیگر که گاهی هم بصورت یک ولایت مستقل تشکیل شده‌اند داشته است؛ چنانکه جوزجان مدتی از نواحی بلخ محسوب میشده و زنانی هم بجهت ولایتی مستقل به کشور خراسان منسوب بوده است (۸) برآل جامع علوم اسلامی

- (۱) معجم البلدان، جلد ۹ صفحه ۲۸۲
- (۲) جلد سوم، صفحه ۱۵۰
- (۳) قسمت سوم، صفحه ۱۹۱
- (۴) تاریخ افغانستان، جلد ۳ غبار، صفحه ۲
- (۵) شاهنامه ثعالبی، ترجمه محمود هدایت، صفحه ۲۲۶
- (۶) المسالك والممالك اصطخری، قاهره، صفحه ۱۴۵ و صورة الارض ابن حوقل ۲۲۶
- (۷) نزهة القلوب حمدالله مستوفی، باعتمام دبیر سیاقی صفحه ۱۸۱ - ۱۹۶
- (۸) حدود العالم من المشرق الى المغرب عکسی کابل، صفحه ۳۷ و تاریخ سیستان به تصحیح محمد تقی بهار، صفحه ۲۶ و ۲۷

حدود جوزجان :

موسسس خورنی - جغرافیه نویسن ارمنی - جوزجان را بصورت گوزگان (۱) ضبط کرده و آنرا از ولایتهای خراسان شمرده است (۲). بنابراین قول هیون تسانگ سیاح چینی (حدود ۶۳۰ میلادی) جوزجان کشوری بود که زمشرق بمغرب ۵۰۰ لی (۲۸۸ کلومتر) و از شمال بجنوب ۱۰۰۰ لی (۵۷۶ کلومتر) وسعت داشت .

سیاح موصوف ، جوزجان را بزبان چینی بصورت هو - شی کین ضبط میکند و مینویسد : کشور جوزجان دارای کوهها و رودهاست و آب آن گوارا و شیرین است (۳) .

از نوشته ابن خردادبه (حدود ۲۵۰ هـ) برمی آید که در اواسط قرن سوم هجری ساحت جوزجان ، نسبت بقرنهای بعد خورد تر بوده و شهرهای فاریاب و طالقان ، شامل آن نبوده است (۴). قرار نگارش احمد بن واضح الیعقوبی (۲۸۴ هـ) جوزجان حاوی چهار شهر است : ۱ - انبار ۲ - اسان و صمعاکن (سان و چارک) ۳ - کندرم و قرزمان (گرزوان) ۴ - شبورقان که در روزگار پیشین ، پایتخت کشور بوده است (۵) .

ابواسحاق ابراهیم اصطخری (۳۴۰ هـ) می نویسد : جوزجان اسم ناحیتی است که شهرهای عمده آن یهودیه و شبورقان است و انخذ رستاق ، و از شهر کهای آن اشترج ، کندرم ، انبار و سان میباشد (۶) . ابوالقاسم ابن حوقل (۳۶۷ هـ) فاریاب یهودیه و شبورقان را از شهرهای بزرگ جوزجان و انبار و سان را از شهرهای متوسط آن میدانند و از رستاقها و شهر کهای آن اندخذ ، اشترج ، کندرم جلار و نریان را نام می برد (۷) ابو عبدالله محمد مقدسی (۳۷۵ هـ) جوزجان را از کورتهای بزرگ خراسان میدانند و علاوه میکند که در قدیم از نواحی بلخ بشمار میرفت و به کثرت شهرها نیز معروف نبود . قصبه آن یهودیه و از شهرهای آن انبار ، برزور (برزون) فاریاب ، کلان (کلاو) و شبورقان بوده است . (۸)

مؤلف حدود العالم که کتاب خود را در سال ۳۷۲ هجری بدر بار پادشاه فریغونی تألیف کرد ، مینویسد : «گوزگانان ، ناحیتیست آبادان و بانعمت بسیار و باداد و عدل و ایمن . و این ناحیتیست که مشرق آن حدود بلخ است و بخارستان تا حدود بامیان و جنوب وی آخر حدود غور است و حد بست و مغرب وی حدود غرجستان است و قصبه بشمین است تا حدود مرو و شمال وی حدود جیحون است » (۹) .

Gozkan (1)

- (۱) ایرانشهر مارکوارت ، متن آلمانی ، صفحه ۱۶
- (۲) سی یو - کی ، ترجمه عبدالغفور امینی خطی انجمن تاریخ افغانستان صفحه ۱۵۴
- (۳) المسالك والممالك ابن خردادبه ، لیدن ، صفحه ۳۳
- (۴) البلدان ، طبع نجف ، صفحه ۵۰
- (۵) المسالك والممالك ، چاپ قاهره ، صفحه ۱۵۳
- (۶) صورة الارض ، لیدن ۴۴۲
- (۷) احسن التقاسیم ، لیدن ۳۹۸
- (۸) حدود العالم ، عکسی کابل ، صفحه ۴۰

استاد فرخی سیستانی شاعر معروف (متوفی بعد از ۴۲۹) که با جلال السدواه امیر ابواحمد محمد غزنوی - امیر جوزجان - بجوزجانان رفته، در ضمن قصیده‌یی در مدح آن امیر، در وصف بهار بلخ و جوزجان، اشعاری دارد و اینک ابیات مربوط به موضوع خود را در اینجا قید میکنیم:

بلخ بس نیکوست لیکن بلخیان را باد بلخ مر مرا با شهر های گوزگانانست کنار
 نوبهار بلخ را در چشم من حشمت نماند تابهار گوزگانان پیش من بگشود بار
 باغ و راغ و کوه و دشت گوزگانان سر بسر حله دوروی را ماند زبس نقش و نگار
 هر چه زیور بود نرروز نو آیین آنسهمه برد برگلهای باغ و راغ نرروزی بکار
 از درون (رشنه) تاکهپایه های کژروان سبزه از سبزه نبرد، لاله‌زار از لاله‌زار
 بیشه های کژروان از لاله زار و سنبلیله گاه چون بیجاده گردد گاه چون زرعیار
 از فراوان گل که بر شاخ درختان بشکند راست پنداری درختان گوهر آوردند بار
 بامدادان بوی فردوس برین آید همی از در باغ و در راغ و زکوه و جو بیار
 گل همی گل گردد و سنگ سیه یا قوت سرخ زین بهار سبز پوش قسازه روی آب‌دار
 خوبتر زین گوزگانان را بهار دیگرست وین بهار اکنون پدید آید که آید شهر یار (۱)
 در کتاب اشکال العالم منسوب به جیهانی (قرن چهارم هجری) آمده: جوزجانان نام ناحیتیست و شهرهای آن یهودیه و شبرخان و استلخ (۲) و کفندروم و انبار و سان (۳). حکیم ناصر خسرو بلخی در سال ۴۲۷ هجری در جوزجان خرابی دیده و در اثر آن احوالش تغییر کرده است. از عبارت «پس از آنجا (از جوزجانان) بشبورغان رفتم» سفرنامه وی معلوم میشود که مرادش از جوزجانان، مرکز اداره ولایت یعنی شهر انبار (سرریل حالیه) است (۴).

یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶ هـ) می نویسد: جوزجان نام ولایت وسیعی است از ولایتهای بلخ در خراسان که بین بلخ و مرو الرود (مرغاب) واقع شده است، یهودیه قسمیه آن و انبار و فاریاب و کابل از شهرهای آن است. یحیی بن زید بن علی درین ولایت متول گردیده است (۵). بنا بر قول حمدالله مستوفی (۷۴۰ هـ) جوزجان ولایتی بوده است از اقلیم جلالیه و طولش از جزیره خالدات (۶) «صحیح» و عرض آن از خط استوا «لهک» که هوای معتدل داشته و یهودیه، فاریاب و شبورقان از شهرهای آن بحساب میرفته است (۷).

- (۱) دیوان فرخی سیستانی، باهتمام دبیرسیاقی، صفحه ۱۰۷ و ۱۰۸
- (۲) قانون مسعودی، تألیف البیرونی طبع جیدرآباد ج ۲ صفحه ۵۷۱: استلخ فی ایجد که کلمه آخر بیقین «انخذ» است.
- (۳) اشکال العالم، خطی موزه کابل ۶۸
- (۴) سفرنامه، طبع سیاقی، صفحه ۲
- (۵) معجم البلدان، جلد ۳، صفحه ۱۶۷
- (۶) این نام از طرف جغرافیه نویسان عرب به جزایر «قناریه» که در نزدیکی سواحل غربی افریقا وقوع دارند داده شده که آنان طول مواضع را از آن جزایر حساب میکردند (قاموس الاعلام سامی، جلد ۳ صفحه ۲۰۱۵)
- (۷) نزهة القلوب، تهران صفحه ۱۹۱

استاد هارتمن مینویسد: جوزجان نام قدیم ناحیه ترکستان افغانی است که در بین مرغاب و دریای آمو واقع می باشد. سرحدات آن در کتب جغرافیه، درست توضیح نشده، بخصوص از سمت غرب، معلوم نیست تا کجا می رسیده؟ اما بطور یقین، این سرزمین میمنه حالیه، اندخوی، شبرغان و سرپل را احتوا می کرد. (۱) بار تولد مستشرق روسی که در جغرافیای تاریخی صاحب نظر است، مینگارد: این نکته که آیا گوزگان از چه تاریخی به حیث یک ولایت مستقل با عرصه وجود گذاشته معلوم نیست. جغرافیه نویسان کلاسیک همچو ولایتی رانمی شناسند و باکتریان را بلاواسطه با مرگیانام سرحد قرار می دهند (۲) همو در جایی دیگر می نویسد: جوزجان در قسمت شمال غربی افغانستان امروزی واقع شده. مؤلف حدود العالم جاهای زیادی را بایالت جوزجان گذاشته، دران ایام، اینجا اهمیت کمتری داشته و نمیتوانسته شامل اینهمه اراضی باشد (۳)

بقول پروفیسور مینورسکی شرق شناس معاصر، این ایالت در اول اراضی بین بلخ و مرو و اشغال کرده بود و پس از آن نفوذ پادشاه گوزگان تاجاییهای که مجرای علیای مرو و ورود واقع بوده می رسید و بطرف شرق تا غرجستان و محل رباط کروان تسلط داشت.

پادشاه گوزگان تاجاییهای که در مجرای علیای مرو و ورود واقع بود می رسید و بطرف شرق تا غرجستان و محل رباط کروان تسلط داشت.

از جانب دیگر، نوشته مؤلف حدود العالم که میگوید تا حدود بامیان می رسید، نمیتواند تحت اللفظ ترجمه شود؛ قول مؤلف حدود العالم در باب وسعت اراضی گوزگان تا انتهای غور و هم سرحد بودن آن باینست، شاید مربوط به تسلط فیودلی باشد. (۴)

خلاصه طوریکه از آثار جغرافیه نویسان قبل از اسلام و بعد از آن برمی آید، در قرنهای پیش از اسلام و در شش قرن اول اسلامی، سرزمین وسیع بین بلخ و مرغاب بنام جوزجان یاد می شد و شبرقان، انبار (سرپل حالیه) سان و چهارک، اندخود فاریاب (دولت آباد میمنه)، یهودیه (میمنه امروزی) طالقان (سواخی) چیچکستو گرزوان، کلاروکندرم از شهرها و ناحیتهای آن بشمار می رفت. نام این ولایت بعد از قرن هشتم هجری بتدریج از زبانها افتاد و متروک گردید (۵) تا اینکه بعد از سده دهم هجری مفهوم جغرافیایی جوزجانان تنگتر شده، این نام برای شهر سرپل اطلاق گردیده است. (۶)

(۱) Encyclopadea of Islam, Le Yden, Vol. 1, P. 1040

(۲) جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، صفحه ۸۱

(۳) مقدمه بار تولد بر حدود العالم، ترجمه میر حسین شاه، صفحه ۴

(۴) تعلیقات بر حدود العالم طبع کابل، صفحات ۱۷۰ و ۱۷۱

(۵) Encyclopadia of Islam, Le Yden, Vol. 1, P. 1040

(۶) در نزد متولیان مزار یحیی بن زید (رض) و قفنامه هایی هست که از طرف امرای اشترخاتی بلخ و ماوراءالنهر صادر یافته که تعداد این فرمانها به پنجاه قطعه می رسد. در آنها از اسم جوزجانان، سرپل اراده شده است. در اینجا از جمله سی قطعه و قفنامه آن مزار که بملاحظه نگارنده رسیده، عبارت یکی از آنها را نقل می کنم. حضرت خان حکمیدین - عمده الامراء محمد عادل اتالیق سوزوم - چون از قدیم الایام تا این هنگام جمیع اوقاف مزار فیض آثار، از تمامی عملات و عوارضات مرفوع القلم آمده، حالانیز بهمان دستور مقرر دانسته ارباب و کدخدایان ولایت جوزجانان

پایتخت امرای جوزجان :

درباره پایتخت شاهان بومی سرزمین جوزجانان یعنی «گوزگان خداده» ها اطلاعی در دست نیست . قرار تصریح یعقوبی ، در قرن سوم هجری مقر حکمرانی امرای عرب درین ولایت شهر انبار بود و حکمران محلی که ملک نامیده میشد در کندیام و قرزمان (گروزوان) اقامت داشت (۱) . و نیز بقول همو پایتخت قدیم جوزجان، شهر شبورقان بود. همدرین ایام یهودان و فاریاب در حدود سیاسی جوزجان شامل نبودند و پایتخت امیر فاریاب درین وقت، شهر یهودان (یهودیه) بود (۲) . مقدسی در قرن چهارم هجری یهودیه را پایتخت جوزجان می شمارد (۳) . مؤلف حدود العالم (۳۷۲ هـ) جهودان (یهودیه) را دارالاقامه پادشاه گوزگانان و انبار را پایتخت ایالت میداند (۴) . مؤلف اشکال العالم مینویسد : شهر بزرگتر جوزجان انبار است و مقام امیر آنجا باشد (۵) بنابراین قول اصطحزی و ابن حوقل نیز شهر بزرگ جوزجان انبار بود که امیر آن سرزمین یعنی پادشاه فریغونی در آنجا اقامت داشت و در فصل تابستان پایتخت خود را در گروزوان انتقال میداد (۶) . از اینکه ناصر خسرو قبادیانی بلخی میگوید از جوزجانان بشبورغان رفتیم . ظاهر است که در آن وقت شهر انبار مرکز سلطنت آن سرزمین بوده است (۷) . مطابق نوشته یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶ هـ) انبار قصبه جوزجان و مقام امیر آن ولایت بوده (۸) ؛ ولی متوجه باید بود که وی در تحت ماده جوزجان ، یهودیه را قصبه ولایت مورد بحث ما شمرده است (۹)

حاصل اینکه انبار ، یهودیه و شبورقان از شهرهای عمده جوزجان و پایتخت ولایت بودند و گروزوان با آنکه نسبت بسه شهر سابق الذکر خورد تر بود بسبب کوهستانی بودنش بحیث پایتخت تابستانی امرای این سرزمین بشمار میرفت .

(ناتمام)

* از مضمون احکام خواقین ماضی در نگذردن سنه ۱۱۱۴ (مهر محمد عادل اتالیق) ابیات ذیل مثنوی نجم الدین ذاکر (۱۲۶۸ هجری) نیز مؤید همین قول است .

سر پل لقب جوزجانان بنام ملک پاسبیا آستان امام

چو بشنید کز کشور میمنه با سبب و انجام و بارو بنه
پی کینه «مضرب» لشکر پناه کشیدست با جوزجانان سپاه

(نسخه خطی کتابخانه نگارنده)

(۱) البلدان ، چاپ نجف ، صفحه ۵۰

(۲) همان کتاب ، صفحه ۴۹

(۳) احسن التقاسیم ، طبع لیدن ، صفحات ۲۶ و ۲۹۸

(۴) حدود العالم ، عکسی کابل ، صفحه ۴۱

(۵) ترجمه فارسی اشکال العالم ، خطی موزه کابل ، صفحه ۶۸

(۶) المسالك والممالك اصطخری، قاهره ، صفحه ۱۵۳ و صورة الارض ابن حوقل

۴۴۳ . (۷) سفرنامه ، طبع تهران ، صفحه ۲

(۸) معجم البلدان ، قاهره ، جلد نخست ، صفحه ۳۴۰

(۹) همان کتاب ، جلد ۳ ، صفحه ۱۶۷